



درخت دوستی بنشان

ملاحظات درباره رابطه دوستانه

محمد حسن شاهنگی

● چنانچه رابطه دوستی عمیق شود، احتمال تقویت حس «مشارکت اجتماعی» در فرد بالا می‌رود و برعکس. نیاز به سپری کردن زمان با «دیگری»، چه در فضای مجازی و چه غیر آن، یکی از احتیاجات انسان به مثابه «موجودی اجتماعی» است. میل به «حضور اجتماعی» از طریق تمرین در «گروه‌های دوستی» تقویت می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان رابطه دوستی را نوعی جولان (مانور) تنفس در «جامعه انسانی» قلمداد کرد. اکنون در نظر بگیرید که این جولان به درستی برگزار نشود، چه اتفاقی می‌افتد؟!

پاسخ مشخص است: «شخصیت اجتماعی» ما به راحتی متزلزل می‌شود. دوست وقتی قابل اعتماد است که بتوانیم در مورد درک کردن خود، روی او حساب کنیم؛ آن هم یک حساب ویژه! با او مشورت کنیم و تصمیم‌های مهم خود را قبل از گرفتن یا حین گرفتن با او مطرح کنیم؛ تصمیماتی درباره آینده شغلی و تحصیلی، علاقه‌های شخصی، عواطف درونی، عشق‌ها و نفرت‌ها، و...

«صداقت» یکی از کلیدی‌ترین اصولی است که می‌تواند در ریشه‌دار کردن رابطه دوستانه نقش ایفا کند. رفقای که خودشان نیستند و «نداشته‌ها»یشان را «داشته» جا می‌زنند، برای حفظ منافع شخصی مثل آب خوردن دروغ می‌گویند، شخصیت دورو دارند و رفتارهای واحدی را در برابر افراد متفاوت از خود نشان نمی‌دهند، و... به هیچ وجه دوستان قابل اعتمادی نیستند و نمی‌توان روی دیوار

● تجربه عالم رفاقت یکی از شیرین‌ترین تجربه‌هایی است که همه ما از همان دوران کودکی که پا از خانه بیرون می‌گذاریم، از آن بهره‌مند می‌شویم؛ عالمی که توفان قهر دارد و آرامش آشتی؛ عالمی که لذت همراهی با «انسانی نزدیک به خود» را برای ما به ارمغان می‌آورد و از «زندان تنهایی» و «حصار بی‌همدلی» خارجمان می‌کند.

● همه دوستی‌ها دارای یک کارکرد فوق العاده‌اند: دست دو طرف یک رابطه رفاقتی را می‌گیرند و آن‌ها را رو به جلو و آینده‌گرا می‌دهند. به همین دلیل است که برخی محققان روان‌شناسی رشد، دوستی را یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کلی سلامت فردی و اجتماعی و از بنیادی‌ترین عناصر شکل‌گیری هویت، به ویژه در دوره جوانی، مطرح کرده‌اند.

● صحبت از «هویت» است؛ موضوع مهمی که در طول عمر انسان با او همراه و هم‌نشین است و به این راحتی‌ها تغییر نمی‌کند. پس مهم است که در پایه‌ریزی و یا چرخش‌های کلی یا جزئی آن نهایت دقت صورت پذیرد. دوستان به یکدیگر کمک می‌کنند و آنچه را که دارند باهم به اشتراک می‌گذارند. پیشرفت‌های یکدیگر را تحسین می‌کنند، در شکست‌ها در کنار هم می‌مانند، و به یکدیگر اعتماد به نفس می‌دهند. رازداری و حمایتگری در ذات دوست نهفته است. این‌ها سرمایه‌های گران‌بهایی هستند که به سادگی نمی‌توان از کنارشان گذشت.



دوستی که «تا» نداره
«تا کجا» باید با هم دوست باشیم
معنادره
گفتم که دوستی «تا» نداره
#تلنگری برای رشد



ارتباط مؤثر در میان دوستان ارتباطی است که به خودشناسی بهتر و بیشتر توسط دو طرف رابطه منجر شود؛ شناخت از خود، دیگری، دنیای اطراف ما و آفریدگارمان. دوست می‌تواند همچون آینه شفاف، عیب‌های اخلاقی و شخصیتی را به ما یادآوری کند و سبب اصلاح آنان شود. البته گاه در این مسیر بزرگ‌نمایی‌ها و ریزنمایی‌هایی هم متأسفانه صورت می‌گیرند که چه بسا اساس و ریشه رفاقت را تهدید کنند. پس باید جانب احتیاط، واقع‌بینی، دقت و انصاف را گرفت.

● پایدارترین دوستی‌ها، در عین حال که بر «صمیمیت اصیل» پافشاری می‌کنند، اما در مراعات خطوط قرمز و سبز، و نبایدها و باید‌ها با هیچ کسی تعارفی ندارند. در این مواقع جدی و سخت‌گیرند. همه روابط انسانی دارای قواعد خاص خود هستند و دوستی نیز از این قاعده مستثنا نیست. پایبندی به همین موضوع ساده اما مهم، مفهوم اساسی «احساس تعهد» را به ما گوشزد می‌کند. نباید فراموش کنیم که «انسان‌ها و بی‌قید و شرط» در اندیشه‌های متعالی امروز جایی ندارد. هنجارها و ضوابط اخلاقی، شرعی و اجتماعی همگی برای این وضع می‌شوند که دست ما را بگیرند و به سرمنزل مقصود برسانند و در این زمینه چه یاریگری بهتر از دوست وجود دارد؟

آن‌ها یادگاری نوشت؛ چراکه نمی‌توان به تک‌تک گفتارها و رفتارهایشان اطمینان داشت و پیش‌فرض تردید بر رابطه با آنان سایه می‌اندازد. این وضعیت با کارکرد آرامش‌بخشی یک رابطه رفاقتی منافات دارد.

● یکی از چالش‌های بنیادی روابط دوستانه - مخصوصاً برای دانش‌آموزان - تعارض میان التزام به ارزش‌ها و باورهای خود و پذیرش ارزش‌ها و باورهای طرف مقابل است. سؤال مهم در اینجا چگونگی مدیریت این تعارض است. مطابق با آموزه‌های دینی ما، در بروز این معضل پیشگیری مقدم بر درمان است. یعنی در آیین دوستیابی اساساً توصیه می‌شود، از شکل‌گیری رابطه دوستی بین دو طرفی که تضاد ارزشی، فکری و هویتی دارند، جلوگیری شود. اما در صورت وقوع تضاد ارزشی در میانه یک رابطه دوستانه چه باید کرد؟!

یک حالت قطع رابطه دوستی است. اما شاید این گزینه آخرین راهکار باشد. چه بسا بتوان به پشتوانه عقبه و پیشینه عاطفی یک رابطه، طرف مقابل را که با افکار خودمان زاویه پیدا کرده و دچار انحراف شده است، به مسیر برگرداند. البته این کار آسان نیست و ملاحظات خاص خودش را دارد. به هر صورت شاید به یک بار امتحان کردنش بیرزد.